

بِهْ قَامِ قَيْمَانِ

سال چهارم / شماره شانزدهم / رایگان / یکشنبه بیست و یکم دی ماه سال ۱۳۹۹

در این شماره می‌خوانید

فرقیسم (یمانی باز می‌گردد)

شهر بر علیه شهر

تخریبات احرای در آغاز یک مسیر

میدان‌های پیر از یک مرد

جشن کریسمس؛ محتوا افراط





نشریه مستقل دانشجویی دانشگاه صنعتی سجاد

صاحب امتیاز زهرا محمدزاده

مدیر مسئول زهرا محمدزاده

سردبیر زهرا سرابیار

طراح و صفحه‌آرا زهرا محمدزاده

ویراستار کوثر کرباس فروشان

هیئت تحریریه مائدۀ ایران نژاد، ریحانه تقدی، انسیه آژ

مریم سلطان احمدی، کوثر زکیزاده، نادیا

لامی، سیده زهرا حسینی، زهرا محمدزاده

فهرست

- | | |
|---|---|
| ۱ | - فرقیسم (یمانی) بازی تلخ بانورانیتی بی‌انتها |
| ۲ | - شهر علیه شهر مروری بر سابقه حاشیه نشینی، مولود بد یمن صنعتی شدن |
| ۳ | - تجربیات اجرایی در آغاز یک مسیر گفتگویی با جناب آقای وزیری، فعال دانشجویی در حوزه مطالبه‌گری |
| ۴ | - میدان‌هایی پر از یک مرد آنچه از یک سال گذشت |
| ۵ | - جشن کریسمس، محتوا یا فرم؟! نگاهی به فرهنگ‌های وارداتی |
| ۶ | - قدس، بلعیدن تاریخ سرگذشت تصرف یک سرزمین |
| ۷ | - دوده، پر از سخن نگاهی دیگر بر زندگی بانویی بزرگ |
| ۸ | - انتظار درک حس انتظار |
| ۹ | - طنز نامه |

امیرالمؤمنین علیه السلام

ای مردم زمان را دریابید، الان و همین
اکون، پیش از آن که پشیمان شوید،
پیش از آن که هر کسی بگوید ای دریغا
که در کار خدا کوتاهی کردم...

«بحار الانوار، جلد ۷۴، صفحه ۳۳۷»

از گذشته تاکنون، باورهای آخرالزمانی ابزار سوءاستفاده برخی از سودجویان را با هدف ایجاد تفرقه دینی و سیاسی بین مردم فراهم کرده است. این افراد با پرداختن به جنگ و فقر و بحران‌های اجتماعی و حتی طولانی شدن ظهور امام عصر (عج) بیشترین سوءاستفاده و بهره را برده‌اند.

پس از آغاز غیبت کبرا افراد زیادی خود را با عنوان امام زمان (عج)، فردی که با امام‌زمان ملاقات دارد و یا به عنوان همسر ایشان، معرفی کرده‌اند، که اکثراً پس از مدتی با عنوان کلاهبردار شناخته شده و یا دستگیر شدند.

اما یکی از مهم‌ترین سودجویان عصر حاضر فردی به نام احمدالحسن البصري که خود را یمانی می‌داند، است. این جریان دو دهه در حال رشد، نمو و تکامل بوده است که حتی اگر سخنان ابتدایی این فرد را بخوانیم، وی خود را امام زمان معرفی کرده اما پس از مدتی به دلایلی تغییر موضع داده و با عنوان یمانی شناخته می‌شود.

جریان احمدالحسن بیش از آنکه یک فرقه دینی باشد، یک جنبش سیاسی است و همانند دیگر فرقه‌ها سعی در ایجاد اختلاف و انحراف در جوامع شیعی می‌کند. وی برای انتقال مطالب و توصیه‌هایش از صفحه فیسبوک و مبلغین خود استفاده می‌کند و تاکنون در تلاش بوده است که تصویری از خود منتشر ننماید.

این شخص ادعاهای کذب بی‌شماری در مورد عصمت، امامت و نبوت دارد که در آینده به آنها می‌پردازیم. و اگر بخواهیم به یمانی با توجه به نقل قول از احادیث و روایات نگاهی بیاندازیم؛ او را فردی نظامی، آزادی‌خواه و مسلمان و آگاه به احکام اسلامی می‌باییم که با خروجش خواهان عدالت حقیقی بوده و مردم را دعوت به آشنایی با امام عصر می‌کند.

اما احمدالحسن البصري نه فردی نظامی است و نه قیام کرده و نه حتی یمنی است! و نه تنها در برابر ظلم نایستاده بلکه از جریانات انحرافی حمایت کرده و اکثراً مردمان را به شورش دعوت می‌کند که مواردی در ایران نیز رخ داد.

در شماره شانزدهم نشریه به جریان یمانی خودساخته پرداخته‌ایم و سعی کرده‌ایم از جوانب روایی و تاریخی این فرقه را بازنگری کنیم تا ان شاء الله در دام این چنین فرقه‌هایی گرفتار نشویم.

فرقیسم (یمان)

بازی تلخ با نورانیتی بی انتها ...!

نادیا لامی - کامپیوتر ۹۷



یمانی، وعده‌ی روایات یا بازی فرقه‌ای سیاه؟

در شماره جدید نشریه صبح صادق، به موضوع پرچالش "احمدالحسن یمانی" خواهیم پرداخت. از آنجا که احتمالاً همه‌ی شما پیام‌هایی از قبیل "یمانی موعود ظهور کرد" در فضای مجازی به چشمتان خورده یا برایتان ارسال شده‌است، بر این امر برآمدیم تا اطلاعاتی درباره این یمانی دروغین و فرقه "یمانیه" بازگو کنیم و به تاریخچه و معرفی آن پردازیم.

بنیان‌گذار:

مؤسس و پایه‌گذار این فرقه احمد اسماعیل گاطع و از قبیله «صیامر» است. گاطع در حدود سال ۱۳۵۱ در روسیه در منطقه هویر از استان بصره متولد شد. او پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکده مهندسی نجف در سال ۱۳۷۸ وارد حوزه علمیه شد، اما از حوزه علمیه "شهید سید محمد صدر" اخراج شد! او برای خود لقب احمدالحسن یمانی را برگزیده است و علت به کاربردن نام (الحسن)

برای او، استناد به این روایت می‌باشد: وَيَسْمِيهِ بِاسْمِ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَ وَيُكَنِّيُ
وَيَنْسِبُهُ إِلَى أَبِيهِ الْحَسَنِ الْحَادِي عَشَرَ
إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ
أَجْمَعِينَ. در استدلال به این روایت

چنین می‌گویند که در عبارتش اشاره شده، او منسوب به امام حسن عسگری(ع) می‌باشد و از طریق ایشان به امام حسین(ع) متصل می‌شود.

مریدان او شجره‌نامه‌ای خود ساخته ارائه داده و نسب او را چنین بیان

می‌کنند: احمد فرزند اسماعیل

فرزند صالح فرزند حسین فرزند

سلمان فرزند محمد بن حسن

عسکری (مراد امام زمان می‌باشد)

فرزند حسن العسکری فرزند

علی فرزند محمد فرزند علی

فرزند موسی فرزند جعفر فرزند

محمد فرزند علی السجاد فرزند

حسین فرزند علی ابن ابی طالب علیهم السلام.

در کل اسماعیل گاطع سلسه ادعاهای کذب زیادی داشته که یکی از جالب‌ترین آنها ادعای ظهور و سپس به غیبت رفتنش است؛ شروع دورانی که دیگر کسی او را نمی‌بیند و همه می‌باشند از طریق نزدیکانش با ارتباط داشتند. در حال حاضر او به شکل مداوم در کشورهای جنوبی خلیج فارس در سفر بوده و بیشتر در امارات و قطر حضور دارد.

قیام‌های نظامی

گاطع چندین بار دست به قیام نظامی زد که همواره با شکست مواجه شد، بزرگترین حرکت نظامی‌یمانی "حداده‌لرگه" بود در تاسوعای سال ۱۴۲۸ با بهمن ۱۳۸۵ حداده پادگان الرزگه در حومه نجف رخ داد. بالغ بر ۲ هزار نفر از اعضای گروهی موسوم به جندالسماء که در آن مقطع از هم‌پیمانان فرقه یمانی بودند به همراه پیروان فرقه یمانی برای حمله به نجف اشرف در منطقه الرزگه جمع شدند که هدف آنها قتل مراجع بود. خوشبختانه پلیس عراق با همکاری تعدادی از قبایل شیعه

در خصوص عهد نیز ادعیه معتبری مانند دعای

عهد با حضرت در زمان غیبت ایشان وجود دارد.

بعد از حادثه الرزگه، یمانی تصمیم گرفت در عاشورای سال ۱۴۲۹ مجدداً قیام کند، اما یک ماه قبل از آن ۴۰ نفر از پیروانش در نجف دستگیر شده و طرح قیام در روز تاسوعاً و قتل عام زائرین و اشغال حرمين امام حسین(ع) و حضرت عباس(ع) لورفت و شکست خورد.

مبلغان این فرقه با توجه به اینکه می‌دانند طرفدار ایشان از اقسام کم اطلاع هستند، هر واقعه‌ای را بعد از رخ دادن ش به خود نسبت داده و ادعا دارند قبل احمد الحسن در محافل مخفی آن را پیشگوئی کرده‌اند!

سایر ادعاهای گاطع

ادعای سیادت: احمد اسماعیل گاطعی با وجود آنکه سید نیست، ادعای سیادت دارد. وی در قبیله صیامر به دنیا آمده و اهلی بصره همه متفق‌اند که این قبیله سادات ندارد، در حالی که وی خود را فرزند رسول و جانشین امام زمان معرفی می‌کند!

*ادعای فرزندی

امام زمان(ع):

با وجود ادعای

فرزندی امام زمان(ع)

خود را احمد بن

الحسن می‌نامد در حالی

که می‌باشد خود را

"احمد بن محمد" می‌

نامید چراکه نام امام زمان

حسن نیست، بلکه حسن

نام پدر امام زمان(ع) است.

البته این اشتباه به دلیل

سیر تدریجی ادعاهای وی پیش

آمده‌است! چراکه از قبل نمی

دانسته در آینده چه ادعاهای

جدیدی را مطرح خواهد کرد. به

همین علت در مقطعی خود را فرزند

پنجم امام زمان(ع) معرفی می‌کند

و خود را امام سیزدهم می‌داند!!

نفر از این فرقه را به هلاکت رسانید. سرکرده جندالسماء نیز که از هم‌پیمانان گاطع بود در این حمله به هلاکت رسید. دستگیر شده‌ها اعتراف کردند سرکردگان این دو فرقه طی سخنرانی هایشان آنها را مأمور کرده بودند در نجف هزار و دویست نفر از علماء را بکشند!

جالب آنجلست که سرکرده فرقه جندالسماء که خود ادعای قائمیت داشته با احمد الحسنی که یکی از ادعاهایش فرزند امام زمان(ع) بودن است باهم متحد شدند! بنظر این مسئله مؤید وابستگی هر دو جریان به یک اتاق فرمان مشترک است.

شروع دعوت و بیعت‌گیری

شروع گیری این فرقه با عملیات روانی زیادی شروع شد، آنها در ابتدا تشکیل دسته‌هایی چند نفره می‌دانند تا با استفاده از ظرفیت نماز جمعه ها در عراق در میان مردم حضور یافته و شعار سردهنگاری با شعار

«جاء المهدی، جاء المهدی»

صفوف نماز جمعه را بهم می‌ریختند تا

بیشترین جلب توجه را کنند. پیروان این گروه در سال ۱۳۸۲ حتی در نماز جمعه شهرهای اهواز، قم، کرج، مشهد نیز اخلاص ایجاد کرده و ظهور یمانی را جاری زدند.

از جمله توجیهاتی که اعضا این گروه بدان تمیز می‌جویند، بیعت برای امام زمان(ع) است و توجیه شان این است که: اگر این بیعت مورد نظر امام زمان(ع) نبود، حتماً آقا شخصاً جلوی آن را می‌گرفت، چرا امام زمان جلوی ما رانمی‌گیرد؟ چرا فرد دیگری نیست تا از طرف امام زمان(ع) بیعت گیرد؟

این ادعای گزاف در حالی است که نیابت عام امام زمان به دستور ایشان در زمان غیبت با علمای اسلام و اداره حکومت با ولایت فقیه است.

می‌کند که چنین است: «مکه از تهمه است و تهمه از یمن؛ پس محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم همگی یمانی هستند».

در حالی که تهمه یک منطقه جغرافیایی است که از شمال جزیره‌العرب یعنی بالاتر از مکه و مدینه را در بردارد و از جنوب به یمن می‌رسد. بنابراین، تهمه از یمن نیست، بلکه یمن در جنوب جزیره‌العرب قرار دارد و شامل شمال و میانه جزیره‌العرب نیست. پس، محمد و آل محمد(ع) حجازی و تهمه هستند؛ اما به هیچ وجه یمانی محسوب نمی‌شوند. به عنوان مثال، فرض کنید شخصی بگوید که یمن از خلیج فارس است و ایران هم از خلیج فارس است پس هر ایرانی، یمنی است!

از دیگر تناقضات ادعای یمانی و فرزند حضرت صاحب‌الزمان بودن او این است که یمانی در روایات متعددی از نسل زید فرزند امام سجاد(ع) معروفی می‌شود، حال آنکه فرزند امام زمان(عج) هاشمی است.

ابزار رسانه‌ای و وابستگی به استکبار

ابزار رسانه‌ای توسط فرقه یمانی به خوبی استفاده می‌شود و پیروان این فرقه در استفاده از انواع رسانه‌های دیجیتال مهارت قابل توجهی دارند، به شکلی که احمد اسماعیل گاطع توسط مردم به مدعی فیس‌بوکی نیز شهرت دارد! این فرقه با بهره‌گیری از فعالان رسانه و مستندسازان سعی در القاء تفکر مسموم خود دارد و یکی از افرادی که در این رابطه نقش مهمی برای این فرقه بازی کرده است فردی به نام «عبدالله هاشم» است. وی با ساختن چند ویدیواسلاید و مستند پیرامون فراماسونی و ظهور امام مهدی با نام «ایرسول» چهره شد. عبدالله هاشم به سهو در برنامه‌ای رسانه ای به مردم ایران شناسنده شد، اما بعد از مدتی مشخص شد وی مبلغ فرقه یمانی به خوبی استفاده اینجاست عبدالله هاشم از حامیان احمد یمانی بوده اما در عین حال مرید فرقه صهیونیستی رائیلیان است و تصاویر وی در بازدید از مرکز این فرقه در اسرائیل منتشر شد.

در دو سال گذشته فرقه یمانی با کمک سرویس‌های خارجی اقدام به گسترش فعالیت خود در عرصه رسانه کرده و در این راستا شبکه رادیویی را نیز در آمریکا در اختیار گرفت و زمان راهنمایی اعلامیه‌ای را نیز منتشر کرد: «به فضل الله تبارک و تعالیٰ صبح امروز چهارشنبه ۳ آبان ۱۳۹۱ برابر با ۲۰۱۲ اکتبر ۲۴ ساعت ۶ بامداد کanal رادیویی انصار امام مهدی(ع) به مشارکت و کمک انصار امام مهدی(ع) در آمریکا و کانادا افتتاح شد». همچنین این فرقه توانست شبکه ماهواره‌ای خود را نیز راهنمایی کند.

منابع:

- روایت از سفینه البحار به نقل از حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاريف، ۱۳۷۶، ج ۱۰، ص ۶۱۷.
- غیبه نعمانی، ص ۱۶۳؛ بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۷۵.
- حیدری آل کثیری، محسن؛ حیدری چراتی، حجت، بررسی جریان جدید مدعی یمانی (احمدالحسن)، مجله انتظار شماره ۳۴، بهار ۱۳۹۰.
- علی اکبر مهدی پور، بررسی چند حدیث شبهه ناک، فصلنامه انتظار، شماره ۱۴.
- حیدری آل کثیری، محسن، بررسی جریان جدید مدعی یمانی (احمدالحسن)، مجله انتظار شماره ۳۴، بهار ۱۳۹۰.
- منتخب الانوار تأییف السید علی بن عبدالکریم بن عبدالحمید النیلی الجفی، صفحه ۳۴۳.



جنجال گسترده در اعلام محل واقعی قبر حضرت زهراء(سلام الله علیها).

ادعای نمایش اسم احمد در آتشفسان!
مردود دانستن علم رجال و اصول فقه
و بسیاری از این قبیل شده است.

حامیان احمدالحسن برای توجیه استناد خود به روایات جعلی و همچنین ناتوانی احمد الحسن از احتجاج علمی به روش اصولی به کلی علم رجال و اصول را بدعت و نادرست شمرده اند. چراکه گاطعی می‌دانست اگر علم اسلامی منبعث از قرآن و بیان معصومین را پذیرد، دیگر نمی‌تواند از روایات مجھول‌السنده‌یا مجمل استفاده کند.

نکته جالب مسئله آن است که برای توجیه استناد به روایات مجعلوں‌السنده و راویان کذاب به روایات مجعلوں دیگری استناد می‌کنند و این روند به طور مدام ادامه دارد. مانند استناد به روایتی از «سفیان بن السمعط» از امام صادق(ع) در کتاب «مختصر بصائر الدرجات» که به نقل از امام صادق(ع) آمده است: «اگر کسی به نقل از من گفت شب روز است و یا روز شب است آن را تکذیب نکن زیرا من را تکذیب کردی!»

معرفی به عنوان یمانی با ضد و نقیض

بعد از آنکه گاطعی ادعای یمانی بودن کرد با این ایراد مواجه شد که اگر فردی یمانی است چگونه می‌تواند هم یمانی باشد هم ادعا کند فرزند امام زمان(ع) و از قبیله هاشمیان است؟ آن هم در حالی که بنی هاشمی از حجاز هستند و یمانی باید اهل یمن باشدا او در پایگاه اینترنتی در نامه‌ای با امضا سید احمد حسن، وصی و رسول امام مهدی(ع) در تاریخ ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۲۶ ق مصادف با ۱۳۸۴ در مطلبی با عنوان سؤال و جواب، پیامی را برای توجیه فرزندی امام عصر(ع) و هاشمی بودن بیان

*صاحب نفس مطمئنه:

گاطعی بارها در سخنرانی خود ادعا می‌کند: «من مایه رحمت برای اسلام هستم، برای اهل زمین، اهل بیت(ع) هر کجا بروم همواره با من هستند و صریحاً می‌گویم که خدواند مرا برگزیده است؛ صاحب‌نفس مطمئنه به من متصل شده و خود شیعیان را متحد کنم از عالم و عالمی؛ من آمادگی دارم حقایق را برای همه روشن کنم، و به صورت سیاه و سفید نشان دهم، خدا نور و کلام او نور است. در عین حال هیچ ادعایی هم ندارم!»

*ادعای ارتباط با امام زمان(عج):

وی در سخنرانی‌ها و بیانیه‌های ادعاهای گوناگونی در خصوص ارتباط با امام زمان(ع) مطرح کرده است: ادعای دیدار امام زمان(ع) در عالم خواب به طور مکرر، مانند ادعای خواب دیدن امام زمان(ع) در حرم سید محمد فرزند امام هادی(ع) که در این دیدار به وی امر می‌شود به زیارت عسکریین رود.

-ادعای دیدار امام(ع) در بیداری که حضرت نسبت به انحرافات عملی و مالی حوزه‌های علمیه به ویژه حوزه نجف به وی هشدار می‌دهد و مدعی است از آن تاریخ به بعد تحت تربیت ویژه امام(ع) قرار گرفته است. همچنین مدعی است امام وی را امر به ورود به حوزه علمیه کرده و به وی مأموریت داده انحرافات حوزه را عنوان کند!

-ادعا دارد در شعبان سال ۱۴۲۰ هـ (۱۳۷۸ ش)، امام زمان را برای دومین بار در بیداری کنار حرم امام حسین(ع) ملاقات کرده که امام آنجا به او دستور داده به نجف برود و دعوت خود را از مردم علنی سازد.

علاوه بر این ادعاهای ذکر شده، مدعی چیزهای دیگر بسیاری همانند:

عدم ساماندهی و برنامه‌ریزی مهاجرین افغان، فقدان برنامه‌ریزی برای تعديل آثار خشکسالی در استان سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبي، بی‌عدالتی در پراکنش خدمات و تسهیلات رفاهی در شهرهای اطراف مشهد که ناشی از ضعف برنامه‌ریزی است، همگی از جمله مواردی هستند که این معضل را همچنان لایحل نگه می‌دارند.



خانواده‌های پرجمعیت موجب مهاجرت گسترده طیف وسیعی از روستائیان به شهر گردید. وجود بارگاه قدسی امام رضا علیه السلام و اهمیت شهر از نظر موقعیت استراتژیک تجاری و بازارگانی با کشورهای همسایه شرقی و به تبع آن تاسیس راههای مناسب بین مشهد و سایر نقاط شهری علی‌الخصوص احداث راه‌آهن تهران–مشهد باعث پذیرش نرخ بالای مهاجرت پذیری در این شهر شد.

بنابراین...

باتوجه به تعریفی که در ابتدای این گزارش آمده، به علت تکثر مفاهیم موجود از حاشیه‌نشینی و وابستگی این تعاریف به ابعاد مکانی خود، به‌طور کل می‌توان چنین استدلال کرد که علت حاشیه‌نشینی در شهر مشهد تمرکز خدمات، سطح بالای اتصالات بین شهری و راهه خدمات حمل و نقلی و از همه مهم‌تر وجود بارگاه قدسی امام رضا علیه السلام است. این‌ها همگی در کناره‌های قوی جاذبه شهر مشهد هستند و اتفاقاً با بررسی سیر حاشیه‌نشینی، دلیل اصلی این معضل بزرگ نیز بوده‌اند. اما به‌نظر می‌رسد ضعف سیستم برنامه‌ریزی در استان و حتی در سطوح ملی سبب بروز این مشکل در شهر شده‌است. بنابراین برای حل این مسئله نیازمند نگاه در دو سطح شهر و فراشهر هستیم. در سطح اول رسیدگی به این جمعیت و برنامه ریزی برای اسکان رسمی آنها است و در سطح فراشهری، شناسایی علل مهاجرت و حل آن‌ها به منظور جلوگیری از مهاجرت شهر مبدامی باشد. ان شاء‌الله در شماره بعدی به وعده‌ها داده شده و اقدامات صورت گرفته توسط دستگاه‌های ذیصلاح می‌پردازیم.



شهر بر علیه شهر!

مروری بر سابقه حاشیه‌نشینی، مولود بد یمن صنعتی شدن



کوثر زکی‌زاده – شهرسازی ۹۵

در حاشیه مشهد

در سال ۲۰۳ هجری قمری امام رضا (علیه السلام) در طوس به شهادت رسیدند و در هارونیه به خاک سپرده شدند. از این تاریخ، این مکان، محل زیارتگاه شیعیان گردید و به نام مشهدالرضا موسوم شد. در زمان صفویه شهر به اوج رونق خود رسید و به عنوان دومین زیارتگاه با اهمیت شیعیان جهان و مهم‌ترین زیارتگاه شیعیان ایران درآمد. از این زمان به بعد جمعیت مشهد رو به فزونی نهاد تا ۴۰ با اجرای اصلاحات ارضی، تزییق درآمد نفتی و ... منجر به ایجاد زمینه اشتغال و هجوم مهاجران روستایی به این شهر گردید. مشکلات ناشی از رشد جمعیت، باعث شد که تهیه طرح جامع شهر برای یک دوره ۲۵ ساله در این دهه انجام شود. پس از وقوع انقلاب اسلامی و به دنبال آن وقوع کودتای مارکسیستی در افغانستان ۲۹۶۵۰۰ نفر از مهاجران افغانی در مشهد سکونت گزینند. همچنین در نتیجه وقوع جنگ تحمیلی عدای از مهاجرین جنگ زده وارد مشهد شدند. بررسی نرخ رشد جمعیت شهر مشهد در این سالیان گویای مهاجرت روساییان به شهر و به تبع آن افزایش حاشیه‌نشینی می‌باشد. چون گروه‌های مهاجر خود به علت پیامدهای منفی جنگ و یا بلاحی طبیعی خود درگیر نوعی از فقر شهری بوده اند. همچنین بروز خشکسالی در مناطق جنوب اشتری ایران (ناحیه سیستان و بلوچستان) و جنوب خراسان و سیاست و طرح واگذاری زمین شهری به

HASHIYE-NESHINIANI IN TEHRAN
Hashiye-neshinianي يك پديده اجتماعي است و اين
پديده اختصاص به عصر فعلی نداشته و ريشه در
ادوار و اعصار گذشته دارد. همانطور که در شماره‌های
پيشين به تعریف علل وقوع اين معضل شهری
پرداخته‌شد، در آخر چنین استدلال گشت که ما
با پديده واحدی در حاشیه شهرها مواجه نیستيم،
بلکه هر محله‌ی حاشیه‌ای، در هر شهر ويزگی‌های
خاص خود را داشته و منحصر به فرد است. در
نتیجه با پديده‌ای پيچيده و چند وجهی مواجه می‌
شويم که برای بررسی و ارائه راهکارهای خاص
حل آن نيازمند بررسی تاریخچه شکل‌گيری اين
پديده، منحصرادر بستر خود هستيم.

سابقه حاشیه‌نشینی در ايران

در ايران پيش از آغاز دهه چهل، شهرنشيني رشد کندي داشت و در آستانه اين دهه حدود یک سوم جمعیت کشور در شهرها زندگی می‌کردند. براساس اولین سرشماري شهر تهران در سال ۱۲۴۶ توسط عبدالغفار نجم‌الملک، يك دهم سکنه شهر، حدود ۱۷ هزارنفر در خارج از حصارهای شهر سکونت داشتند؛ و پيدايش نخستین اجتماعات آلونکنشين، در تهران، به سال ۱۳۱۱ مربوط می‌شود. اما رشد و گسترش حاشیه‌نشیني به بعد از کودتاي ۲۸ مرداد به خصوص بعد از سال ۱۳۳۵ بر می‌گردد. معضل حاشیه‌نشيني اولين بار در جنوب شهر تهران به طور مکاني و متمرکز بروز و ظهور نمود. بر اين اساس رشد حاشیه‌نشیني در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ابتدا از تهران آغاز شده‌است.



گسترش تاسيسات شهری و شبکه‌های ارتباطی و همچنین افزایش درآمد حاصل از نفت، موجب رونق شهرها و ایجاد جاذبه‌های شهری گردید و از سوی دیگر، اصلاحات ارضی و مکانیزاسیون، دافعه‌های روسایی را تشدید نمود.

نخستین اشکال حاشیه‌نشیني در تهران ظاهر شد اما تنها به مرکز، محدود نماند و سایر شهرهای نیز به فراخور تغييرات اقتصادي و اجتماعي درگير اين مولود بد یمن توسعه شدند. بطوری که امروزه در همه شهرهای ايران ما شاهد چنین الگوي سکونتی هستيم. طبق آمار منتشر شده جمعیت حاشیه‌نشین كشور عددی در حدود ۱۱ ميليون نفر است که از اين ميزان، ۱ ميليون و ۲۰۰ هزار نفر مربوط به شهر مشهد می‌باشد.





تجربیات اجرایی در آغاز یک مسیر

گفتگویی با جناب آقای وزیری، فعال دانشجویی در حوزه مطالبه‌گری

سیده زهرا حسینی - کامپیوتر ۹۶



به خوبی و بهطور کامل پیش برود، ملقمی کارها بهتر و آسان تر انجام خواهد شد. در مورد مردم و رضایت افرادی که در آن منطقه زندگی می‌کردند هم باید بگوییم که خدا را شکر اکثر آن‌ها از کار ما راضی بودند.

طبق گفته‌های جناب آقای وزیری، تیم مطالبه‌گری این دانشگاه در حال جمع‌آوری اطلاعات برای رسیدگی به حاشیه شهر و محله اسماعیل‌آباد مشهد هستند و انشاء‌الله این پرروزه نیز به زودی اجرا خواهد شد. مسائل مهم برای مطالبه‌گری در سطح شهر بسیار زیاد و ملموس هستند؛ اما نکته‌ای که وجود دارد این است که باید بتوانیم در کمترین زمان ممکن مدارک مورد نیاز را جمع آوری کنیم و در زمان مناسب مطالبه را آغاز کنیم تا بتوانیم به پاسخ مطلوب برسیم. به عنوان مثال یکی از مواردی که مطالبه در آن تقریباً با شکست مواجه شد، مسئله بازارسازی میدان شهدای مشهد بود. میدانی که با وجود موقعیت جغرافیایی اش که نزدیک حرم مطهر رضوی قرار دارد از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و اکنون به گونه‌ای طراحی شده است که نه شباهتی به میدان دارد و نه از لحاظ موقعیتی مناسبی با حرم مطهر و معنویت آن دارد و نه هیچ ربطی به شهدا دارد! بلکه بیشتر مجتمع تجاری مجللی است که در وسط یک میدان بیضی مانند قرار گرفته است و البته زمانی مردم از این پرروزه باخبر شدند که برنامه‌ها به طور کامل اجرا شده بود و این میدان در مرحله ساخت قرار گرفته بود.

به‌هرحال امیدواریم که روزی برسد که هیچ مشکلی در شهر وجود نداشته شد و شاهد دیدن هیچ یک از افرادی نباشیم که بدون داشتن حداقلی تربیت امکانات در حوالی شهرمان زندگی می‌کنند.

از آقای وزیری درباره مشکلاتشان و نحوه برخورد مسئولین پرسیدیم و ایشان این‌گونه پاسخ دادند که: «مشکلاتی با مسئولین داشتیم، البته شاید آن‌ها هیچ قصد و غرضی نداشته‌اند اما گاهی اتفاق می‌افتد که آمار و ارقامی که از مسئولین دریافت می‌کردیم با آمار و ارقامی که از متخصصین شهرسازی می‌گرفتیم تفاوت بسیار زیادی داشت و گاهی با بعضی از مسئولان برخورد داشتیم که بدون این که از اصل ماجرا باخبر باشند و تحقیق کافی داشته باشند و با فرض این که این پرروزه صحیح و قبل اجراست، نامه‌های لازم را امضا کرده و کار را برای تیم مطالبه‌گری سخت‌تر کرده بودند. و مشکل دیگری هم که در شروع کار داشتیم ارتباط گیری با مسئولان بود که در ابتدا اصلاح‌کار راحتی نبود و کم کم و به مرور زمان شکل گرفت و ما توانستیم مستقیماً با آن‌ها روبرو شویم و مسائل را مطرح کنیم.

مشکل خیلی مهم در این مطالبه‌گری‌ها این است که پیگیری‌ها باید به طور مستمر انجام شوند و اگر افراد تیم صبر و استمرار لازم را خواهند داشتند قطعاً مطالبه نیمه کاره رها خواهد شد.

در خصوص این مطالبه سعی کردیم که با افراد نخبه و مسئولانی که آگاه بودند صحبت‌هایی داشته باشیم و از نظرات و دانش آن‌ها هم در راستای رسیدن به هدف و برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیازمان استفاده کنیم. اگر جمع‌آوری اطلاعات

برداشت ششم مطالبه مطالبه‌گری به معنای کنش‌گری و همراهی کردن یکدیگر در جهت رسیدن به هدفی والا و با ارزش است. مانیز به عنوان دانشجویان یک کشور و قشر مهم جامعه، باید مطالبه‌گر باشیم و شیوه‌ی درست مطالبه‌گری را فراگیریم. چراکه اگر اکنون و در این جامعه (دانشجویی) نتوانیم مطالبه درستی را داشته باشیم و آن را به سرانجام برسانیم، قطعاً در جوامع بزرگ‌تر هم منفعل خواهیم بود.

اخیراً در شهر مشهد مقدس خبرهایی در باب وقوع تغییراتی در بافت شهری منتشر شده است و عاملی شده تا پرروزه کمربند جنوبی مشهد بر سر زبان‌ها بیافتد. اتفاقی که خیلی از ما شهروندان از آن به خوبی مطلع نیستیم و برعکس اصلاح‌نمی‌دانیم که قضیه از چه قرار است.

برای این که بتوانید پرروزه کمربند جنوبی و دلیل اشتباه بودن آن را به خوبی درک کنید، به شما پیشنهاد می‌کنم که نوشته خانم زکی‌زاده که در شماره‌های قبلی همین نشریه انتشار پیدا کرده را مطالعه کنید تا از چند و چون ماجرا خبردار شوید.

همان‌طور که می‌دانید بعد از شناسایی مسئله و تضمیم بر شروع مطالبه‌گری، باید برسی کنیم که آیا ظرفیت تیم ما پاسخ‌گوایین مسئله هست یا خیر؟ و اگر جواب منفی بود بهتر است که با تیم‌های دیگر همکاری کرده و به ظرفیت و قدرت کار خود اضافه کنیم تا بتوانیم مشکل را تا حد زیادی مرتفع کنیم.

در این‌باره گفتگویی داشتیم با جناب آقای وزیری، مسئول ستاد جهادی حاشیه شهر در دانشگاه پیام نور مشهد تا از تجارت ایشان و تیم دانشجویی شان

پرسیم. طبق توضیحات آقای وزیری، برای پرروزه کمربند جنوبی نیاز بود که چند گروه با هم همکاری کرده و کار را جلو ببرند. به همین علت دانشگاه پیام نور با تیمی از دانشجویان دانشگاه فردوسی همکاری خود را آغاز کرده و می‌توان گفت که در جهت

میدان‌های پر از یک مرد

بررسی انتقامی سخت در یکسالی که گذشت ...

زهرا محمدزاده - کامپیوتر ۹۶



اگر ماباشهدا و سردار دل‌ها برای خون‌خواهی عهد بسته‌ایم، باید به معنی واقعی کلمه در هر جایگاهی که حضور داریم، جبهه‌ای تشکیل دهیم، و این مسئله با شعار دادن صرف، عملی نخواهد شد، همت و غیرتی مردانه و مستمرمی طلبند.

اگر پاسخ استراتژیک ابعاد انتقام سخت، محکم و قاطع داده شود دشمن دیگر اجازه فکر ترور را هم به خود نخواهد داد.

یک حادثه معمولی نیست که از یاد تاریخ برود. در سخنرانی از سیدمان می‌شنویم که می‌فرمایند: "ایرانی‌ها به خودشان افتخار کنند که مردی از میان آنها از یک روسای دور افتاده برمی‌خیزد، تلاش می‌کند، مجاهدت می‌کند، خودسازی می‌کند، تبدیل می‌شود به چهره‌ی درخشان و قهرمان امت اسلامی..."

قهرمانی که تبدیل شده به یک مکتب، مکتب یعنی، ببینیم او از کدام مسیر و چطور عبور کرده است!

پای صحبت‌های او که می‌نشینی انگار نشسته‌ای نزدیک یک عالم، آنقدر که کلمه به کلمه حرف‌هایش از عمق جان و معرفت و حکمت برمی‌آید. چون او از مدار فردیت خویش خارج شده و سعه وجودی اش آنقدر گسترش پیدا کرده، که بتواند بر نفوس انسانی تاثیر گذارد. قهرمان و مرد میدان ما را ناجوانمردانه زند، اما غافل از آنکه شهید سلیمانی از سردار سلیمانی خط‌ترناک‌تر است. از لحظه شهادت او تا به امروز بارها کلمه "انتقام سخت" را سنیده‌ایم. ایران در جریان انتقام سخت خود، سه نوع پاسخ در برابر ترور سردارمان دارد.

من المؤمنين رَجَالٌ صَدِقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهُ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَصَى نَحْبَةً وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبَدِيلًا

برخی از آن مؤمنان، بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند، پس برخی پیمان خوبیش گزارند و برخی به انتظار، مقامات کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند (احزاب، آیه ۲۳).

۳ زانویه ۲۰۲۰، عراق، بغداد، فرودگاه بین‌المللی

ساعت ۱۴:۰۰ دقیقه بامداد جموعه

صدای مهیبی منطقه اطراف فرودگاه را به لرزه درمی‌آورد، اما در ایران همه چیز خوب است. مردم یا خواباند یا بیدار و غرق در افکار خویش. منابع خبری گزارش می‌دهند، دو ماشین حاوی دو تن از فرماندهان نظامی و همراهانشان، توسط بالگردی‌های آمریکایی مورد اصابت قرار گرفته‌اند. خبر عجیب و جدیدی نبود. سال‌ها بود که از این دست اخبار از عراق، سوریه، لبنان و دیگر کشورهای منطقه منتشر می‌شد.

۱۳ دی ماه ۱۳۹۸، ایران، صبح جمعه

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد؛ سردار سپاه اسلام بامداد امروز در پی حمله بالگردی‌های آمریکایی، به فیض شهادت نائل آمد.

۱۳ دی ماه ۱۳۹۹، ایران، عراق، جهان

یک سال گذشت از خبری که کامها را تلخ کرد. یک سال گذشت از نبود او اما؛ او در یک سال نبودنش، بیشتر از همیشه برای مردم شناخته شد، جهان آوازه او را دید و شنید. حاج قاسم با شهادت در تاریخ ثبت شد، شهادت او

بادخل اتاق و پشت میز نشستن نمی‌شود مدیریت کرد
باید امامت کرد و رفت جلو و گفت بیا!

مبارک باد

دوست

جشن کریسمس، محتوا یافرم؟! نگاهی به فرهنگ‌های وارداتی



انسهیه آژ - از - ۹۷

قائلیم ولی اینکه این جشن در میان مسلمانان و ایرانیان در حال گسترش است بسیار قابل تأمل و تعجب برانگیز است. در سال‌های اخیر شاهد گسترش جشن کریسمس در بین ایرانیان و تقلید از آنان برای گرفتن این جشن هستیم و ایرانیانی که این جشن را همانند مسیحیان پر شور و اعجاب انگیز برگزار می‌کنند.

و در پایان در جهان اسلام، ایام کریسمس جشن گرفته نمی‌شود و تعطیل نیست اما به این معنی نیست که مسلمانان برای حضرت مسیح اهمیتی قائل نیستند؛ بلکه او را بسیار دوست دارند. و اینکه ما مسلمانان باید ارزش‌های عیسوی را هم از منظر سبک زندگی نبوی معرفی کنیم.

اسلام دین همه انبیاست و سخن نبوی یعنی سخن همه انبیا.

شمسی داشته باشیم خواهیم دید که ما ایرانیان مسلمان کم مراسم‌های جشن و شادی مراسم‌های ملی و مذهبی نداریم. از نوروز گرفته که مشهور است یا چهارشنبه سوری و...

بعد از آن می‌توان به ایام و اعیاد مذهبی همانند عید فطر، قربان، مبعث، غدیر... اشاره کرد که از بزرگترین ایام و اعیاد ایرانی اسلامی به شمار می‌رود. فرهنگ غنی ایرانی اسلامی سراسر جشن و شادی و طرب است؛ چه کم داریم که خودمان را دچار و درگیر جشن مسیحیان عزیز که همان کریسمس نام دارد می‌کنیم؟

آیا مسیحیان و دیگر ادیان آسمانی نوروز باستانی و دیگر اعیاد اسلامی را جشن می‌گیرند؟

کریسمس یک جشن مذهبی خاص مسیحیان است؛ با اینکه ما برای میلاد پیامبرانمان ارزشی

دردههای اخیر در روزهای نزدیک به کریسمس بخشی بهویژه در فضای مجازی و میان ایرانیان به وجود می‌آید که آیا کریسمس در اثر غرب گرایی و تقلید از غرب است؟ کریسمس نمادی برای از خودباختگی و کم ظرفیت بودن افراد است؟ خوب بهتر از است اول این موضوع را مشخص کنیم غرب گرایی یا غرب‌باوری؟

غرب گرایی نوعی الگوی فکری است اما غرب باوری توسعه مادی و خطی غرب را مفید می‌داند و به تئوری‌های غرب می‌اندیشد.

از ۲۰۰ سال گذشته تا به امروز غرب گرایی و غرب باوری در ایران طرفداران زیادی داشته و حمایت هایی کم و بیش شامل آنان شده، ولی همانطور که حمایت‌های گسترده‌ای از غرب گرایی شده است مخالفت‌های بسیاری نیز به همراه داشته است.

بعضی از مخالفان کریسمس را نیز نمادی از غرب گرایی می‌بینند و واقعیت این است که میلاد حضرت مسیح لزوماً غربی نیست و به واسطه تجربه زیست اجتماعی موضوع غریبی برای ایرانیان نیست که در محاورت ارمنی‌ها زندگی کرده‌اند.

بعضی از منتقدین می‌گویند که ما خود عید نوروز داریم و نیازی به کریسمس نداریم اما این نقد به این نکته بی توجه است که کریسمس برای ایرانیان جایگزین نوروز نیست، جشنی است علاوه بر نوروز که ایرانیان همت بالایی در زنده نگه داشتن نوروز و بهار دارند.

می‌توان به این موضوع اشاره کرد شاید مردم به خاطر کمبود شادی تمایل به برگزاری مراسمی دارند که باعث شادی و نشاطشان شود؛ اما به راستی فرهنگ ایرانی اسلامی ما مسلمانان چه خلاء‌هایی دارد که این همه حرص و ولع برای گرامی داشت کریسمس به چشم می‌خورد؟ اگر یک حساب سر انجشته از ابتدای سال



حضرت فاطمه زهراء(س) «اویین شهیده راه ولایت» و شخصیت برجسته‌ای است که در بین زنان همانند مهتاب آفرینش، روشنایی عالمتایی از خود نشان داد و در کتاب وجود او تمام حقیقت انسان و تمام حقیقت زن و در یک کلام تمام نسخه انسانیت به خوبی مشاهده می‌شود؛ او الگوی شایسته‌ای که امام راحل در بیان شیوه خود درباره او فرمود: «حضرت فاطمه زهراء(س) زنی بود که اگر مرد بود نبی بود؛ زنی که اگر مرد بود به جای رسول الله بود». و چون درباره معرفی نمونه‌ای کامل از انسان در جهان هستی، سخن بهمیان می‌آید، ایشان با احترام خاصی می‌فرماید: «همه باید به او حضرت زهراء(س) آقتدا کنید و کنیم، همه باید دستورمان را از اسلام به وسیله او و فرزندان او بگیریم و همان طوری که او بوده است، باشید. انسانی است به تمام معنا انسان، زنی است به تمام معنا زن». اینک ماییم و فاطمیه و طریق جاوید آن بانو.

*سیره سیاسی

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که تأثیری عمده بر سرنوشت بشریت دارد؛ رهبری و مدیریت سیاسی جامعه است که برخورد مسئولانه تمامی افراد جامعه را در قبال خود طلب می‌نماید و در این رابطه جنسیت مطرح نیست. و از این زاویه است که فاطمه(س) دختر پیامبرگرامی اسلام(ص) سزاوارترین افراد برای مشارکت سیاسی و حضور در صحنه سیاست می‌باشد و علی‌رغم اشتغالات اجتماعی متعدد و خستگی‌های ناشی از کار روزانه و رسیدگی به امور خانه و سرپرستی چند کودک خردسال، خود را از سیاست دور نمی‌دارد و همچون سیاست مداری قهرمان در صحنه اجتماع حاضر و در دفاع از حق و عدالت جان مبارک خویش را نثار می‌نماید. او زندگی سیاسی و آشناهی با الفبای آن را از همان دوران خردسالی آغاز کرد، و بعد از ازدواج و زندگی مشترک باز هم در جریان زندگی اجتماعی همگام با علی(ع) به پیش می‌رود. اما پس از وفات پیامبر فصلی جدید از زندگی را آغاز کرد و دست به احقاق حق و مبارزه گشود و در جریان سیاسی عظیمی حضوری آشکار یافت.



قدس، بل عین تاریخ سرگذشت تصرف یک سرزمین

مائده ایران نژاد - شهرسازی ۹۷



موقع دیگر یهود مسئله یهودی بودن است. در شرایطی که همه دنیا مشرک و بت پرست بودند؛ خداوند از یهود عهد گرفت به پاس بخشیدن ارض موعود، ناشران یکتاپرستی باشند. امانه تنها دین خدا را رواج ندادند؛ بلکه تحریفی با این عنوان که کسی نمی‌تواند وارد دین یهود شود مگر آنکه مادرش یهودی باشد بوجود آورند.

همان سال رژیم صهیونیستی قدم اول را برای تسلط کامل بر قدس برداشت و به صدور اعلامیه‌ای به اسم «قانون قضا» حدود هفت هزار هکتار از اراضی اطراف قدس را تصاحب کرد. به سرعت عملیات تسریع اسکان یهودیان و ساخت منازل جدید به شهرداری تفویض شد. چرا یهود برای فرقه‌ای ضاله اینقدر هزینه می‌کند؟ از آنجایی که یهود خود را قوم برتر خداوند میداند در ادبیان الهی تحریف و تفرقه یجاد کرده تا آنها را به سمت گمراهی سوق داده و خود همچنان قوم برتر بماند.

سال ۱۹۱۷ با دستور موید جو جو جوزیر انگلستان و به فرماندهی ژنرال آلبنی، قدس اشغال شد. آلبنی با ورود به محوطه «شهر قدیم» خطاب به مردم مسلمان شهر اعلام کرد که قصد دارد به همه مذاهب گوناگون احترام بگذارد. اما به مرور زمان خلاف حرفهای ژنرال انگلیسی به مردم ثابت شد. درنتیجه مدتی بعد، قدس به کانون حرکت‌های صد استعماری مسلمانان فلسطین تبدیل شد.

قیام متعدد مسلمانان شهر در مبارزه با سلطه‌ی انگلیسی‌ها مدام سرکوب می‌شد. خصیت‌های بزرگ اسلام مثل حاج امین الحسینی، عبدالقادر الحسینی و موسی کاظم پاشا الحسینی تلاش می‌کردند به مسلمانان سراسر جهان درباره وضعیت بد فلسطین و بتویژه قدس هشدار دهند؛ اما فایده‌ای نداشت.

بدنبال تصرف دیوار ندبه و مسجد الاقصی از سوی صهیونیست‌ها، در گیری دامنه‌داری میان مسلمانان و یهودیان رخداد که سراسر فلسطین را دربرگرفت و بعدها این مقاومت مردم مسلمان به انقلاب براق معروف شد. نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحده قطعنامه‌ای دایر بر تقسیم فلسطین به دو کشور عربی و یهودی تصویب کرد و مدتی بعد قتل عام فجیع روستایی مجرماً قدر قدس یعنی دیر یاسین اتفاق افتاد و چند ماه بعد بن گورین به عنوان نخست وزیر، تشکیل رژیم صهیونیستی اسرائیل را اعلام کرد. با اتمام دوران قیومیت انگلیس بر فلسطین و تأسیس اسرائیل، جنگ‌های متعددی بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها شکل گرفت، از طرفی انگلیسی‌ها با خوشحالی بلت رسیدن به اهدافشان فلسطین را تقدیم به صهیونیست‌ها کرده و به کشور خودبار گشتند.

ژانویه ۱۹۵۰ رژیم صهیونیستی پایتخت خود را به غرب انتقال داد و در این قسمت کارگزاری‌های حکومتی تأسیس کرد. در بحبوحه‌ی جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ اسرائیل بخش شرقی شهر را هم به اشغال خود درآورد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ بِإِنْفَاتِ الْمُهْرَاجِ

دو فرزند عزیزش، اسلام را زنده کردند و برای ما و شما برادرهای عزیز الگو شدند. ما هم الگوی آنها را، تبعیت از آنها را می‌پذیریم.» فاطمه(س) آن زن سیاستمداری است که حتی از پیکر و مرگ خود ابرازی سیاسی ساخت. دستگاه خلافت حتی از مرگ فاطمه(س) وحشت داشت و این وحشت او بی مورد هم نبود. می‌ترسید فاطمه(س) موضعی اتخاذ کند که بر رسوای آنها بیفزاید و پیش بینی آنها درست بود. اینکه فاطمه(س) وصیت کرد: «مرا شب غسل بد، شب کفن و دفن کن، شب بر جنازه‌ام نماز بگذار و احمدی را خبر مکن!» خود سیاستی عظیم است و این است که طاغوت را می‌لرزاند. به ویژه که فاطمه(س) سفارش کرده بود، مگذار آنها که بر من ستم راندند و حق مرا گرفتند بر من نماز گذارند که آنها دشمن خدا و رسولند. به طور کلی، می‌توان گفت: حضرت زهرا(س) با بینش سیاسی عمیق خویش، که عامل رفتارهای سیاسی ایشان می‌باشد، از بعد نظری به ترسیم جهان بینی توحیدی و از بعد عملی به ترسیم ایدئولوژی سیاسی شیعه پرداخته‌اند. سیاست اگرچه در نظر حضرت هدف نیست، اما قدرت و حکومت وسیله‌ای است برای رسیدن به هدفی بالاتر که همان قرب‌الله می‌باشد. بایک نگاه کلی، می‌توان پی بردن که رفتارهای سیاسی حضرت زهرا کنش‌های عقلانی مبتنی بر ارزش می‌باشند، ایشان با ترسیم الگوی «مشارکت سیاسی» برای زنان، به آن‌ها می‌آموزند که یک زن مسلمان با آگاهی و اعتقاد و ایمان، حق دارد در سرنوشت خود و جامعه خویش سهیم باشد و اسلام هیچ گاه برای حضور او در صحنه سیاست محدودیتی قایل نمی‌شود، مگر حجاب و پای بندی به ارزش‌های توحیدی.

بینش و بصیرت، اندیشه و حساب شده، انتخابی و گزینش شده و مبتنی بر ایمان و عقیده است. هدف آن سعادت انسان‌ها و نجات از بردگی‌ها و فراهم اوردن مبادی ارزش‌های معقول در جامعه است. او در این سیاست که الهی است، با استقامت به پیش می‌رود و در آن باکی از کتف خوردن، بدن خود را به رنج افکنند ندارد. او درس جرأت و شهامت را از پدر خود گرفته و در مکتب و خانه علی (ع) و در سایه همگامی با او، آن را تقویت نموده است. برای او هدف الهی مهم است. ما در تاریخ اسلام و حتی بشریت زنی را سراغ نداریم که در راه هدف الهی و اندیشه و آینده‌نگری خود تا بدين میزان به پیش رفته و مصدق آیه شریفه «فاسقین کما امرت» که درباره پیامبر نازل شده است، باشد. خطبه تاریخی بانوی اسلام فاطمه زهرا(س) نمونه روشی از روش و مشی مجاهداتی و مبارزاتی آن حضرت می‌باشد و بیانگر این واقعیت است که او سخنوری بلیغ و خطیبی نستوه، همتای همسرش امیر مؤمنان علی(ع) بود. موشکافی‌های فاطمه(س) در این خطبه در زمینه فلسفه و اسرار احکام، و تحلیل تاریخ سیاسی اسلام، و مقایسه دوران جاهلیت عرب با زندگی آنها بعد از ظهور اسلام، درس‌های بزرگی به رهروان راه حق می‌دهد و آن‌ها را در مبارزتشان تعليم می‌بخشد. و مهم تر از همه آنکه فاطمه(س) با این خطبه موضع خاندان پیامبر(ص) را در برابر رژیم حاکم روشن ساخت و مبرا بودن ساحت مقدس اسلام از مظلومی که به نام اسلام انجام می‌گرفت را، آشکار نموده، و اگر تنها فایده این خطابه پر محظوا همین بود، کافی بودا چنانکه حضرت امام خمینی(ره) می‌فرمایند: «خطبه فاطمه زهرا (سلام الله) در مقابل حکومت و قیام امیرالمؤمنین و صبر امیرالمؤمنین و ... و فداکاری

هنوز پیکر مبارک آن حضرت دفن نشده بود که منتظران فرصت در سقیفه جمع شدند و برخلاف دستور خداوند و فرموده پیامبر(ص) خلافت را از علی(ع) گرفته و به دیگری سپرند. در آن شرایط چه کسانی و چگونه می‌بايست از ولایت و اهل بیت دفاع کنند؟ گویا فاطمه(س) برای دفاع از ولایت در مقطع پس از وفات پیامبر(ص) انتخاب شده است؛ زیرا مسلمانان در آن آزمایش سخت با سکوت خود راه خطا را در پیش گرفتند؛ روح حماسی و شهادت طلبی میدان‌های جنگ را از دست دادند و شمشیرها را غلاف کردند، و تنها نظاره گر حوادث تلخ شدند. و هیچ کس دیگر نمی‌توانست در آن شرایط در برابر تهاجمات سازمان یافته و فتنه‌های کور، با بصیرت و آگاهی لازم چونان فاطمه زهرا(س) یک مبارزه پیروز را آغاز و بخوبی تداوم بخشد. هر مقاومتی اگر می‌شد آن را در هم می‌شکستند. هر دسته، گروه و لشکری را بانام اسلام و در قالب جهاد اسلامی تار و مار می‌کردند. آنان در برابر شجاعت، بصیرت و شهادت طلبی فاطمه زهرا(س) درمانده شدند و ماسکهای آنان دریده و ماهیت پلیدشان افشا گردید. فاطمه(س) خود را زنی مسلمان می‌دانست که باید به وظایف خوبی‌ش آشنا بوده و تکلیف و وظیفه شرعیش را شخصاً عمل کند. بدین خاطر در روزهای آتش و خون و شکنجه پس از وفات پیامبر(ص) و در روزهایی که سیاست روز آتش زدن به در خانه و بیعت خواهی از روی زور و اعمال قدرت بود، قد علم کرد تا تکلیف دینی و سیاسی خود را نیکو به انجام رساند.

روشن‌ها و منش سیاسی

مشی سیاسی فاطمه(س) مشی آگاهانه، توأم با

وقتی قیمه‌ها تو ماستا ریخته
شود...

آغاز سال یک هزار ۲۰۲۱ را به تمام مردم جامعه بالاخص مردمی که درخت کریسمس و کتاب حافظ رادرکنار هم جز ضرورت‌های خانه‌ای‌یاشان می‌کنند و غیرت خاصی نیز روی فرهنگ و آداب و رسوم سنت ایرانی دارند تبریک عرض می‌کنیم.

البته دلیل موجه این افراد می‌لاد حضرت مسیح نیز هست که ایشان پیامبر خدا بوده‌اند و روی سر تمام ما جا دارند.

ضمناً اگر در پست و استوری‌های یک ایرانی درخت کریسمس ندیدید بدانید یا خدایی نکرده ایرانی نبوده و یا نمی‌دانسته حضرت مسیح نیز پیامبر است.

یکی می‌گفت بخرید یکی گفت از که بخریم دیگری گفت اصلاً مگر به ما می‌رسد که بخریم نفر دیگر گفت خونه‌دار و بچه‌دار، زنیل بردار و بیار؛ شد #واکسن_بخرید!

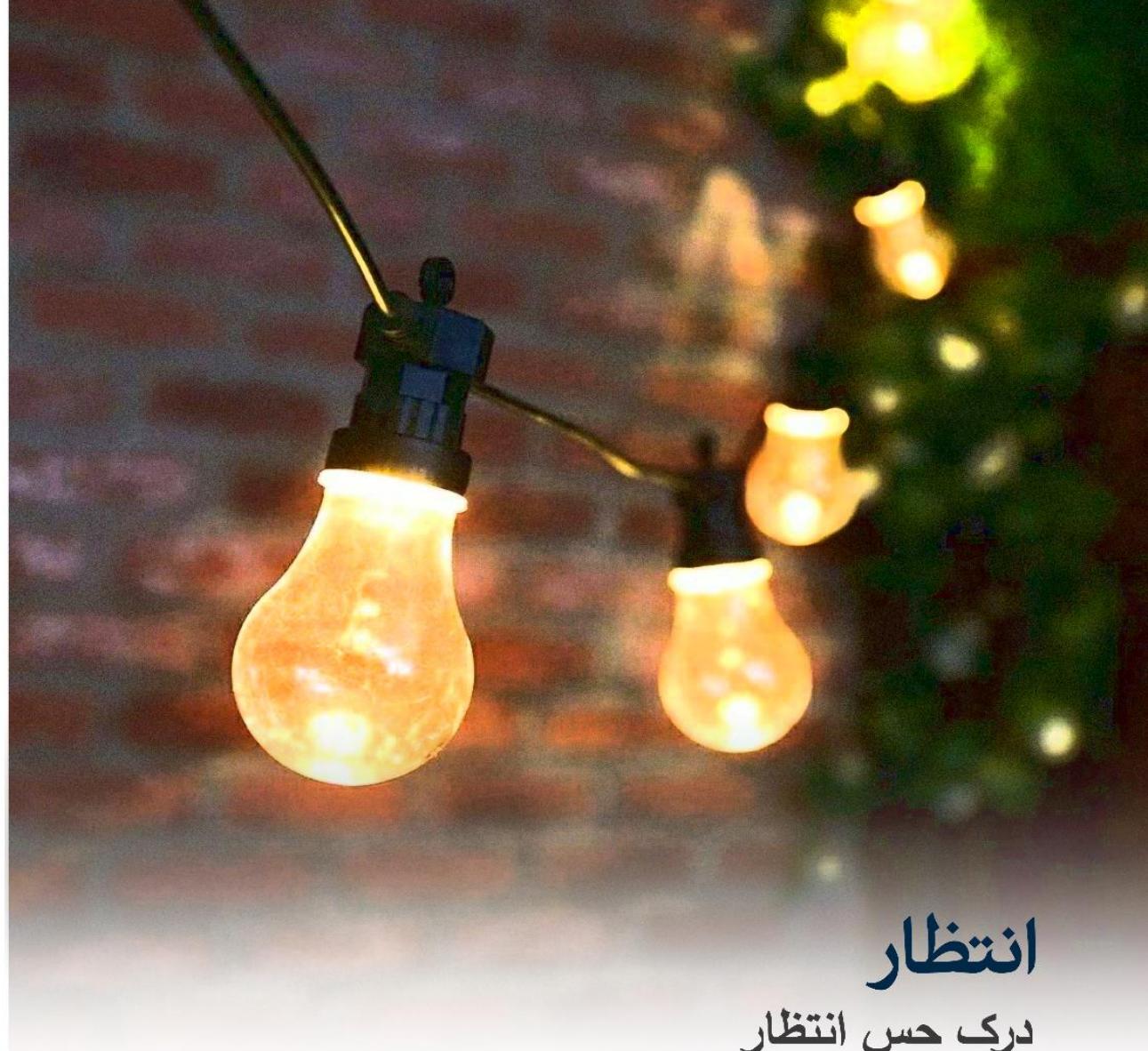
جالب اینجاست همان شاهزاده‌ای که پول از پارویش بالا می‌رفت و دیگر در ایران زندگی نمی‌کرد می‌گفت # واکسن_بخرید.

حال چند وقتی است که هر دست فروشی را که می‌بینی روی کارتون‌های یخچال با مازیک آبی نوشته واکسن کرونای رسید(حکایت همان گوسفند زنده موجود است)ی، یعنی شما در همان لحظه پول می‌دهی و واکسن را تحویل می‌گیری. کاری به دروغ و راست موجودیت رسیدن آن ندارم، فقط خدا به داد واکسنی برسد که در شرایط خاص نگهداری‌ش کنار کارتون با مازیک آبی روزگار گذرانده است، البته بعدی که نیست از دولت علی برکت الله ...

و اما از دار دنیا یک دلمان به همین خرت و پرت‌های سوپرمارکتی محله‌مان خوش بود که گویا در حال حاضر کابوس این روزهایمان شده...

شواهد آن هم جز مشهودالعالم‌های است که از هیچ دیده‌ای پنهان نیست. پارسال بستنی زمستونی می‌خریدیم، الان اگر برویم شیر بزریم یخ بینند شاید معقول‌تر شود. پارسال هر کس می‌توانست چیزی، چسب، سس را سه بار بگوید برنده بود؛ الان تا اسم چیز را می‌شنویم آز سلول به سلول مغز استخوانمان بلند می‌شود.

البته همه این‌ها قطعاً می‌شود یادگاری و شما همیشه باید دید مثبت به زندگی‌تان داشته باشید چون اگر مثبت بیاندیشید قطعاً قانون کارما مثبت را به سمت شما جذب می‌کند. مثلاً مثبت بیاندیشید تا قیمت چیزی پایین باید...



انتظار

درک حس انتظار

مائده ایران‌نژاد - شهرسازی ۹۷



صحبت کنیم انتظار موعود است؛ یعنی همان گشایش وعده داده شده.

مقدمه به وجود آمدن احساس انتظار فرج، اعتراض به وضع موجود اعتراف داشته باشد، و گرنه نمی‌تواند منتظر باشد.

درجات اعتراض هم ممکن است متفاوت باشد و طبیعتاً هرچه از شدت اعتراض کاسته شود قدرت انتظار فرد هم کاهش پیدا می‌کند. از طرفی هرچقدر مبنای اعتراض انسان منطقی‌تر باشد انتظار او نیز بادوام تر خواهد بود. اعتراض زایده‌ی روح کمال جوی انسان در این دنیا است؛ نمی‌شود در فطرت انسان تمنای تقرب نهادینه شده باشد ولی انسان در نهاد خود بیقراری نسبت به آن نداشته باشد.

ما با درک و اندیشه‌زاده شدیم و بخش‌هایی از روح ما از جنس چیزی به نام عقل است. یکی از روش‌های کسب علم اندیشیدن است. اندیشیدن می‌تواند تجربیات را برای ما تئوریزه کرده و احساسی را که درون خود مشاهده می‌کنیم به ادراکی نو تبدیل کند.

همچنان که هر ادراکی می‌تواند به تولد یک احساس تازه در روح‌مان منجر شود. به عبارت دیگر؛ هم با اندیشیدن می‌توان نسبت به یک احساس خودآگاهی پیدا کرد، هم این خودآگاهی می‌تواند احساس تازه‌ای در ما ایجاد کند. ما باید تلاش کنیم تا احساس انتظار را در وجود خود درک کنیم.

یکی از روش‌های درک بهتر مفاهیم انسانی تجزیه‌ی آنها برای رسیدن به عناصر تشکیل‌دهنده است؛ در صورتی که بتوانیم عناصر تشکیل‌دهنده‌ی یک پدیده در روح انسان را به درستی تشخیص دهیم، تعريف دقیقی از آن پدیده بدست آورده‌ایم.

حس انتظار نیز از آن جمله مفاهیمی است که در روح همه ما انسان‌ها قابل تجزیه است و درک آن دشوار است. حس انتظار خود منتظر آن است تا بهتردرک شود.

قبل از تجزیه‌ی انتظار به عناصر تشکیل‌دهنده نگاهی به انواع انتظار داشته باشیم.

انتظار می‌تواند برای هر رخدادی در آینده باشد انتظار فرج و انتظار موعود یکی از مصادیق انتظار هستند. بسیاری از انتظارها را می‌توان در مقوله‌ی انتظار فرج قرار داد.

دیدن یک فرد محبوب، گشایش یک گره، انتظار شنیدن یک پاسخ، همه و همه فرج به حساب می‌آیند. برخی منتظر فرج کل عالم هستند و برخی تنها فرج شخصی خویش را انتظار می‌کشند. به هر حال انتظاری که می‌خواهیم در اینجا از آن